

خصال سلامت و سعادت

تبیین برخی از روایات کتاب شریف خصال شیخ
صدوق علیه السلام که زندگی بهتر را آموزش می‌دهد

استاد فرزانه حضرت آیت الله محمد رضا گونام (مدظله العالی)

سرشناسه: نکونام، محمدرضا، ۱۳۲۷ - / عنوان قراردادی: خصال. شرح
 عنوان و نام پدیدآور: خصال سعادت و سلامت: تبیین برخی از روایات کتاب شریف خصال شیخ
 صدوق که زندگی بهتر را آموزش می‌دهد / محمدرضا نکونام.
 مشخصات نشر: اسلام‌شهر: انتشارات صبح فردا، ۱۳۹۱. / مشخصات ظاهری: ۳۲۴ ص.
 شابک: ۷-۲۳-۶۴۳۵-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا / عنوان دیگر: تبیین برخی
 از روایات کتاب شریف خصال شیخ صدوق که زندگی بهتر را آموزش می‌دهد
 موضوع: ابن‌بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱-۳۸۱ ق. خصال -- نقد و تفسیر / موضوع: احادیث
 اخلاقی -- قرن ۴ ق. / موضوع: اخلاق اسلامی / موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۴ ق.
 شناسه‌ی افزوده: ابن‌بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱-۳۸۱ ق. خصال. شرح
 رده‌بندی کنگره: ۲۴۸ / الف ۲ خ ۶۰۴۲۲۸ ۱۳۹۰
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲ / شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۶۲۹۶۶۳

خصال سلامت و سعادت

استاد فرزانه حضرت آیت‌الله محمدرضا نکونام (مد ظله العالی)



ناشر: صبح فردا

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

محل چاپ: فاضل قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

تهران - اسلام‌شهر - نسیم‌شهر - وجیه‌آباد

دوازده‌متری جواهرزاده - پلاک ۳۶

کدپستی: ۳۷۶۹۱۳۸۵۷۵ تلفکس: ۰۲۲۹۴۳۶۳۴۸۱

www.nekounam.ir www.nekoonam.ir

ISBN: 978 - 600 - 6435 - 23 - 7

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۳	بده‌کاران دزد
۲۱	صفای دل و گذشت
۲۵	به‌بود رابطه با خداوند و مردم
۲۹	نفی طمع از مردم
۳۳	دانش‌اندوزی و شکیبایی
۳۵	مردم دوستی
۴۳	ترس از اشرار
۴۷	سلام
۵۱	دست دادن
۵۵	تشیع؛ آیین محبت و ولایت
۶۳	حقایق پنهان ولایت
۶۹	اخلاق نیکو
۷۵	عالم محترم و شنونده‌ی سخن‌پذیر
۸۱	زندگی سعادت‌مند
۹۱	اندیشه‌ورزی و عبرت‌گیری

۹۷	نشانه‌ی ایمان
۱۰۳	حسادت و طمع
۱۰۷	حقوق فرزند بر پدر و مادر
۱۱۱	خوش رفتاری با پدر و مادر
۱۱۵	سخن حکیمانه و کلام سفیهانه
۱۱۹	گروه‌های نصیحت‌پذیر
۱۲۳	مرده‌ای که راحتی می‌آورد
۱۲۷	شرایط بهشت برتر
۱۳۱	درآمد سالم
۱۳۵	یکسانی کفر و بده‌کاری
۱۴۱	به داشته‌های مردم چشم‌مدور
۱۴۷	خردورزی و دانش‌اندوزی
۱۵۱	نشانه‌های خردمند
۱۵۷	مردم دوستی؛ برترین خردورزی
۱۶۳	سنجش شیعیان
۱۶۷	روزهای خدا
۱۷۱	شخصیت، هویت و خصال اخلاقی
۱۷۹	غلو انگاری و جبرگرایی
۱۸۳	خوارشدگان شایسته‌ی احترام
۱۹۳	بایسته‌ها و شایسته‌های ماه مبارک رمضان
۲۰۱	دروغ‌های شایسته و راست‌های ناصواب
۲۱۹	رد هدیه و آموزه‌های دینی

زندان زبان	۲۲۵
نامردی و بی‌انصافی	۲۲۹
مبغوضان خداوند	۲۳۳
پاکی نیت و کردار	۲۳۹
منفور خداوند	۲۴۵
ملعونان	۲۵۱
مردان مرد	۲۵۷
موالیان دوزخی	۲۶۳
خصال اهل ولا	۲۶۷
شاکیان درگاه خداوند	۲۷۷
سایه‌ی خدا در قیامت	۲۸۵
ماندگاران	۲۸۷
چهار حق الزامی	۲۹۳
ستم بر کسی که یاوری ندارد	۲۹۹
چهار چیز را دریاب	۳۰۵
اندک‌های فراوان	۳۱۱
تمامی دانش بشری	۳۱۷
تعادل و میانه‌روی	۳۲۱

پیش‌گفتار

آموزه‌های دینی از سه بخش باور، اخلاق و کردار شکل می‌گیرد. دانش شناخت شایسته‌ها و ناپسند‌های رفتاری که امری درونی است اخلاق نامیده می‌شود. ما در این رابطه در کتاب «صحیفه‌ی عشق» سخن گفته‌ایم. از منابع شناخت آموزه‌های اخلاقی، بعد از قرآن کریم، کتاب‌های روایی است. مهم‌ترین آثار روایی شیعه عبارت است از: «الکافی»، «من لایحضره الفقیه»، «التهدیب» و «الاستبصار». در این میان کتاب «من لا یحضره الفقیه» از آن شیخ صدوق علیه السلام است. شیخ صدوق در انتقال روایات شیعی به پیروان اهل بیت علیهم السلام در زمان غیبت نقش بسزا و کلیدی داشته و کتاب‌های روایی بسیاری تألیف نموده است. از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در زمینه‌ی روایات اخلاقی می‌توان نام برد کتاب «الخصال» ایشان است. این کتاب اقیانوس ژرفی است که لؤلؤهای بسیار اخلاقی را می‌توان از آن به دست آورد.

باید دانست جامعه‌ی شیعی تا پیش از انقلاب در زیر یوغ شاهان و ستم ددمنشان‌های دشمنان تشیع بوده است و فضا برای اندیشیدن و فکر

فلسفی بر روایات مهیا نبوده است. البته دانسته‌های افراد جامعه نیز پایین بوده و دانش زندگی و مهارت‌های آموختن آنان و نیز ابزار توسعه‌ی دانش در دست آنان نبوده، اما امروز به برکت انقلاب اسلامی، فضا برای طرح عمیق و ژرف روایات اهل بیت علیهم‌السلام آماده است و می‌توان طرحی علمی و تحقیقی از روایات به دست داد و منابر را مدرسی ساخت و مسایل علمی دینی را در آن طرح نمود. کتاب حاضر مجموعه روایاتی است که نگارنده آن را در مسجد محل برای مردم بیان نموده است. بنده به منبری اعتقاد ندارم که چیزی ندارد جز مطالب تکراری و بیان احکامی که مردم شب و روز آن را از رسانه‌ها و به‌ویژه در پایگاه‌های مهم و معتبر اینترنت و نیز در نرم‌افزارها می‌بینند و چنین منبری را نه تنها تبلیغ دینی نمی‌دانم بلکه ضد تبلیغ می‌شمرم. چنین منبری نمی‌تواند مشکلات فکری و اندیشاری جوانان را پاسخ‌گو باشد و در مساجدی که چنین امامانی بر فراز منابرند دین‌گریزی جوانان مشهود است. فرزندان جامعه‌ی ما باید در مسجد به استحکام فکری دست یابند و منابر مساجد باید در اختیار اهل فکر و عالمان اندیشه‌ورز و مجتهدان زمان‌شناس و آشنا به زبان و ذائقه‌های جوانان باشد. جوانی که در مسجد پدافند غیر عامل در زمینه‌ی باورهای دینی نمی‌یابد، به حتم با دریافت برنامه‌های ماهواره یا شبکه‌ی جهانی اینترنت یا در دانشگاه آسیب فکری می‌بیند. مساجد ما باید چنان با قوت و قدرت علمی اداره شود که از مهم‌ترین مراکز علم و نشر دانش دینی شناخته شوند. مساجد نباید در اختیار افراد ضعیف در دانش و باور قرار گیرد که توان دفاع از مبانی دینی به صورت علمی و تحقیقی را ندارند. مسجدی می‌تواند مرکز علمی قرار گیرد که در آن حرف کهنه و تکراری

گوش و روان مخاطب را آزار ندهد و این روایات همیشه زنده و همیشه تازه‌ی حضرات معصومین علیهم‌السلام است که به تحلیل و تبیین گذاشته می‌شود و نه زمزمه‌ی مداحی که فریاد «الله علی» او برای ده‌ها بار در فضای مسجد می‌پیچد. مداحی که دوره‌های دینی را در هیچ مدرسه‌ی علمی ندیده است چه می‌تواند برای مردم بگوید و چه معرفتی را به آنان می‌تواند القا کند؟ او از هر جا بگوید جز مطالبی را که به تقلید از دیگران یاد گرفته است نمی‌تواند بگوید و با پشامد کوچک‌ترین شبهه، تمامی اعتقاد و باور وی فرو می‌ریزد و این گونه است که مسجد از رونق می‌افتد و تنها عده‌ای در آن جمع می‌شوند تا بزمی داشته باشند. مگر می‌شود مسجد مسجد باشد و اثر و نتیجه‌ی آن برای مردم در دین یک درمانگاه کوچک نباشد چه رسد به آن که محل هوا و هوس گردد. مسجد ضرار را به یاد آورد! مسجد باید بتواند به تبیین علم دین و مسایل معنوی بپردازد و داروی دردهای اجتماعی و مشکلات روحی و روانی انسان را ارایه دهد. آیا می‌توان منبع تغذیه‌ی روح خود را سخن کسی قرار داد که برای دنیا و به دست آوردن متاعی اندک از دین و چه بسا از خون اولیای خدا علیهم‌السلام می‌گذارد؟ آیا مداح می‌تواند برای جوانانی که خود غزل سرا هستند چهار خط شعر بخواند، جوانی که می‌تواند در یک لوح فشرده ده‌ها جلد دیوان و مداحی صدها مداح را ببیند از مسجد چه انتظاری دارد؟ آیا مساجد می‌توانند جوانان را بهتر از باشگاه جذب نماید؟ مسجدی که عقلانیت و معنویت در آن نباشد نمی‌تواند عطش فکری و معنوی جوان را پاسخگو باشد و چنانچه مطالبی تکراری به جوان تحویل دهد او را از دین و داشته‌ها و آموزه‌های آن باز می‌دارد. اگر مساجد به صورت قوی عمل می‌نمودند

یک میلیارد مسلمان به فلاکت و مصیبتی که در عراق و افغانستان و نیز در فلسطین دیده می شود گرفتار نمی آمدند. باید در مساجد تحلیل شود چرا مردم صدر اسلام از فکر و اندیشه ی حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و قوت و قدرت و صولتی که ذوالفقار آن حضرت داشته است فاصله گرفتند؟ مسجد نباید به تحلیل مسایل بی تفاوت باشد و روضه ی آن به قهوه خانه ها شباهت پیدا کند. مسجد باید با میدان دادن به عالمان و کارشناسان واقعی دین، معرفت دینی و عقلانیت و معنویت را در سطح جامعه گسترش دهد. کتاب حاضر محصول سخنرانی های کوتاه نگارنده در یکی از مساجد است که به هدف گفته شده به جامعه ی علمی و به ویژه اهل مسجد تقدیم می گردد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

بده کاران دزد

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رَشِيدٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ كَثِيرٍ بْنِ بَسَّامٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ: مَانِعُ الزَّكَاةِ، وَمُسْتَحْلٌ مَهْوَرُ النِّسَاءِ، وَكَذَلِكَ مِنْ أَسْتَدَانِ دِينًا وَلَمْ يَنْوَ قِضَاءَهُ^(۱).

- امام صادق علیه السلام می فرماید: دزدان بر سه گروه هستند: کسی که زکات خود را پرداخت نمی کند، و کسی که استفاده از مهر زنان را برای خود حلال می شمرد، و نیز کسی که وام و قرض می گیرد و پرداخت آن را در نیت ندارد.

بیان: این روایت گروه های دزد را معرفی می کند. تقسیمی که در این روایت است بسیار حکیمانه و منطبق بر اصول روان شناسی است. دزدان بر سه دسته هستند و اگر کسی می خواهد دزد شناخته نشود باید مواظب باشد در هیچ یک از این گروه ها جای نگیرد. ما برای تبیین حدیث، ترتیب حدیث را از آخر به ابتدا شروع می کنیم.

گروهی از دزدان کسانی هستند که وام می گیرند و از دیگران قرض می نمایند اما نیت پرداخت آن را ندارند. ممکن است برخی از بده کاران به

جهت بیماری، فقر، مرگ و بی اطلاعی وارثان و مانند آن قدرت پرداخت بدهی خود را نداشته باشند و روایت چنین افرادی را نمی گوید بلکه کسانی را دزد می داند که از همان ابتدا نیت بازگرداندن قرضی را که می گیرند ندارند. کسی که نیت بازگرداندن قرض خود را دارد، خداوند مقدمات پرداخت آن را برای وی فراهم می آورد؛ چرا که خداوند بخیل نیست و ادای قرض کسی را که نیت خیر دارد ضمانت کرده اما موضوع این روایت کسی است که نمی خواهد دین خود را ادا نماید. برخی از افرادی که وام می گیرند و با وجود توانایی اقساط آن را عقب می اندازند و گاه پرداخت آن بر عهده ی ضامن قرار می گیرد از این دسته اند و شناخت چنین گروهی سخت نیست.

طایفه ی دیگر از سارقان کسانی هستند که زکات مال خود را نمی پردازند، این فرد هم دزد است باید دانست زکات در تعبیر قرآن کریم و برخی از روایات بر خمس نیز اطلاق می شود، بر این اساس، کسی که نمی پذیرد یک پنجم درآمد افزوده از هزینه ی سالانه ی وی از آن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است، در این گروه جای دارد. در روایت است «الأرض کلّها لنا»^(۱) یا لایمام علیه السلام؛ همه ی زمین ملک امام معصوم است. در واقع کسی که خمس و زکات خود را نمی پردازد وی نیز بده کاری است که نیت پرداخت دین و بدهی خود را ندارد. کسی که خمس مال و مال افزوده بر هزینه ی سال خود را می پردازد به شکرانه ی نعمت هایی مانند چشم، گوش، زندگی، آبرو، عزت و سلامتی و هر آنچه خداوند آن را به

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه تهران، ص ۴۰۷.

تسخیر وی درآورده است، خمس را می‌دهد: ﴿سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^(۱). البته، تفاوت این گروه با گروه پیش در آن است که آنان نیت پرداخت ندارند و اینان افزون بر نیت، کرده‌ی خویش را به انجام می‌رسانند و به ضبط مال مستحقان می‌پردازند. زکات برای مستحقان آن است؛ مستحقانی که روز قیامت «یعلقون علیکم» به بده‌کار چنگ می‌آویزند و از او به درگاه خداوند شکایت و شکوه می‌برند؛ زیرا وی که فردی توانگر بوده با پرداخت بخشی از مال خود می‌توانست فقری را از بدبختی‌ها، سختی‌ها، عقده‌های فقر و گناهایی که به سبب بلای فقر افراد فقیر را غرقه می‌سازد، برهاند یا آبروی خانواده‌ای را پاس دارد.

شایان ذکر است درست است که پرداخت خمس و زکات و وجوهات شرعی مهم است اما مسأله‌ی دیگری که در این رابطه حایز اهمیت است این است که وجوهات شرعی به چه کسی پرداخت شود تا در موارد غیر ضرور هزینه نشود. مسلمان باید هوشمند و فہیم باشد و بدهی خود را به گونه‌ای پرداخت نماید که استحقاق توبیخ آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برای فردای خود نداشته باشد و ذمه و عهده‌ی وی نیز با پرداخت وجوهات به شخصی مطمئن بری گردد.

کسی می‌تواند وجوهات شرعی را دریافت دارد که هم مجتهد باشد و هم عدالت داشته باشد. کسانی که وجوهات شرعی را می‌گیرند از مجتهدان تا نمایندگان آنان باید صاحب شرایط لازم علمی و دارای

عدالت باشند و روند شرعی آن را در تمام سطوح رعایت نمایند. گیرنده‌ی وجوهات باید در حد توان پاسخ‌گوی نیازمندان به آن باشد و در هزینه‌ی وجوهات، توجه داشتن به محرومان در این زمینه واجب است. لازم است وجوهات به هر شعاعی که گرفته می‌شود به همان شعاع توزیع گردد و نباید مصرف آن به منطقه‌ای خاص یا به مرکز بسنده شود. بنابراین، وجوهاتی که از سراسر کشور یا دنیا به مرکز می‌رسد باید بر همه‌ی کشور یا دنیا توزیع گردد و نباید مصرف آن به مرکز یا برخی مناطق یا به گزاهای ویژه‌ای محدود شود.

مجتهد، افزود بر اجتهاد کامل، لازم است در مصرف وجوهات شرعی آگاهی کامل و نیز توان و اقتدار لازم را داشته باشد؛ بر این اساس، اگر مجتهدی در اجتهاد کامل باشد ولی در چگونگی مصرف آگاهی لازم یا قدرت بر انجام آن را نداشته باشد نمی‌تواند وجوهات شرعی را بگیرد؛ بنابراین، تنها اجتهاد در احکام، آگاهی در نیازمندی‌های اجتماعی را به دنبال ندارد؛ چنان‌چه آگاهی در فتوا یا شناخت نیازمندی‌های عمومی نیز ملازمه‌ای با قدرت بر اجرا و انجام درست آن ندارد.

مجتهد بر اثر نداشتن آگاهی اجتماعی یا مصرف وجوهات به گونه‌ی ناسالم یا نداشتن قدرت بر اجرای موارد لازم و استفاده‌ی درست از آن، اقتدار شرعی خود در اطاعت را از دست می‌دهد؛ چنان‌چه بسیاری از مشکلات امروزه‌ی حوزه‌ی وجوهات در اثر این‌گونه امور است.

برای نمونه، با آن‌که شهر مذهبی قم مرکز جهانی تشیع و مرجعیت دانسته می‌شود و وجوهات از اقطار دنیا به آن می‌رسد ولی هنوز در این شهر خانواده‌های بسیاری هستند که در فقر زندگی می‌کنند و حتی طلاب

علوم دینی نیز توان تهیه‌ی پایین‌ترین امکانات زندگی معمولی را ندارند و رفع چنین مسائلی مصرف درست وجوهات را می‌طلبد.

اما گروه سومی که در این روایت از آنان به عنوان «دزد» و «سارق» یاد شده مردانی هستند که مهر زن را بر خود حلال و روا می‌دانند. مردانی که خواستگاری آنان از زنان با وعده‌ای خالی از حقیقت همراه است و مهری را که بر عهده می‌گیرند نمی‌پردازند. مردانی که گاه مهریه‌هایی با چند کیلو طلا یا صدها سکه قرار می‌دهند! گاه تعداد سکه‌هایی که به عنوان مهر گذاشته می‌شود چنان بالاست که حتی داماد نمی‌تواند ارزش ریالی آن را حساب کند و از سوی دیگر وی به هیچ وجه نمی‌تواند بفهمد این صدها سکه یعنی چه؟ مردانی که مهریه‌ی همسر خود را نمی‌دهند و گاه به این بهانه که سرمایه‌ی زندگی را با هم مشترک هستیم و گاه نیز گذاشتن مهریه‌ی سنگین را احترام به خانواده‌ی عروس می‌دانند و مرد از ابتدا نیت پرداخت آن را ندارد. مردانی که توانایی پرداخت مهر را دارند و از پرداخت آن خودداری می‌کنند از طائفه‌ی دزدان به شمار می‌روند.

باید دانست مهر زن در اسلام بسیار مورد احترام است و دین مبین اسلام زن را چنان پدیده‌ای قدسی می‌داند که استفاده از بخشی از مهر زن را شفاعت خوانده است. در روایت است: مالی از مهریه شیرین‌تر و گوارتر نیست و در روایتی دیگر است: به فرد بیمار، با بخشی از مهر زن خوراکی تهیه کنید و آن را به عنوان شفا به وی بدهید تا بخورد و شفا یابد. مهر زن در اسلام مانند تربت امام حسین علیه السلام شفاعت‌بخش است و خداوند مالی گوارا، حلال و شیرین را در پرتو ازدواج حق زن قرار داده است. مالی که باید به گوارایی و شیرینی به زن داده شود گاه زن آن را با فلاکتی پس از

مردن شوهر از وارثان می‌گیرد و مهریه‌ای که می‌تواند گوارای وجود وی باشد زخمی بر تن دردمند زنی مصیبت زده وارد می‌آورد! اسلام می‌گوید: زن پس از عقد و پیش از همبستری می‌تواند مهریه‌ی خود را به صورت نقد مطالبه کند و سپس خود را با دریافت مهر در اختیار مرد گذارد و اگر مرد آن پرداخت مهر خودداری کرد زن نیز می‌تواند مانع همبستری شود ولی چنانچه زن زفاف را بپذیرد، مهریه‌ی وی نسبه می‌شود و به عنوان دین بر عهده‌ی مرد می‌آید و با توجه به شرایط عقد به هنگام مطالبه و استطاعت و قدرت مرد، پرداخت آن لازم می‌گردد و پس از زفاف نمی‌تواند از همبستری به بهانه‌ی گرفتن مهر خودداری ورزد. متأسفانه قداست مهر و انتظار شفافیتی آن نه تنها به عنوان یک فرهنگ نهادینه نشده، بلکه از آن غفلت گردیده و بیش‌تر افراد از چنین توفیقی و بیش‌تر زنان از چنان گوارایی مهر که دین بر آن نظر دارد محروم شده‌اند. مرد موظف است مهر همسر را به عنوان بدهی و دین خود برشمارد و آن را با رضایت و به گوارایی و خرسندی به وی برساند. البته پرداخت این بده‌کاری نیازی به مطالبه ندارد و مانند دیگر بده‌کاری‌هاست که مرد باید خود را موظف به پرداخت آن بداند.

از سوی دیگر در صورتی که زن مرد خود را برای خویش گه‌ارا می‌بیند، ارزش وی از مهر او بیش‌تر می‌گردد، در این صورت می‌تواند مهر را به شوی خویش که گوارایی و قداست وی افزون بر آن مهر است ببخشد و بر گوارایی وجود خویش و قرب معنوی خود بیفزاید و در پرتو حصول چنین صفا و معنویتی است که استحقاق آن را می‌یابد که در بهشت به همسایگی خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام فراخوانده شود. در روایت است سه

گروه از زنان حایز چنین مقامی می‌گردند: زنی که بر شوی خود که از حادثه‌ای در بیرون منزل نگران یا بد خلق شده، شکبیا باشد و تحمل او را بر خود هموار سازد و بر او مدارا روا دارد. دو دیگر زنانی که مهر خود را می‌بخشند! و دیده‌ی بصیر وی مرد شیعی و ولایت‌مدار خود را از همه‌ی دنیا برتر می‌بیند و وجود او را هم برای دنیا و هم برای آخرت خود بسنده می‌داند. بخشش مهر به زن باید صورت قانون و حقوقی داشته باشد تا بر فرض با مرگ زن، وارثان زن از همسر وی طلب‌کار نگردند. بهتر است زن در بخشش مهر سند مکتوب به وی بدهد. نوشتن چنین سندی نمایشگر کمال دیگر زن است. البته شایسته نیست مرد از همسر خود بخواهد تا وی مهریه‌اش را ببخشد که چنین درخواستی که بخشش طلب است از جوان‌مردی به‌دور است و مردی که این‌گونه است در مردانگی خود مشکل دارد.

باید دانست در صورتی که زن صفای مرد را ببیند نه مهر زیاد می‌خواهد و نه مهر اندک خود را طلب می‌کند زنی مهر خود را فراوان قرار می‌دهد که به مردان شک دارد و نمی‌تواند به مرد آینده‌ی خود اعتماد نماید یا در صداقت فردای وی و هوس‌های او تردید دارد. زنان موجوداتی بی‌طمع و بی‌ادعا هستند و با دیدن صفای مرد به خود او راضی می‌شوند. زنان ناسازگار یا شکاک صفایی از مردان ندیده‌اند، وگرنه دختر و زن ایرانی نجیب و اهل زندگی است. مرد نیز با دیدن بخشش مهر و فتوت زن چه بسا جوان‌مردی می‌کند و یک سوم از اموال خود را برای همسر خویش قرار می‌دهد تا او پس از مرگ وی به پسر و عروس یا دختر و داماد خود نیازمند نگردد و زندگی همراه با عزت و سرافرازی را داشته

باشد. دین ترسیمی زیبا، گوارا و شیرین از زندگی دارد و ما باید از افراط و تفریط غیر دینی به دور باشیم تا زندگی سالم و شیرین را برای خود به ارمغان بریم.